

سرای خلوت پارچه

آیدا فریدی: عکاسی از بورس فروش پارچه در بازار بزرگ تهران موضوع این شماره گزارش تصویری سمن است. ۱۴ مهر از روزنامه عازم بازار بزرگ تهران می‌شوم، روزی که ساکنان پایتخت به وضوح تغییر فصل از تابستان به فصل زیبای پاییز را به واسطه بارش باران لمس کردند. نخستین پاییز کرونایی است و تهران در شرایط قرمز کرونا قرار گرفته است. قیمت ارز حوالی ۳۰ هزار تومان در نوسان است. نرخ تابلوی برخی صراف‌ها دوباره صفر شده است. این بار نرخ طلا هم با ارز کورس قیمت گذاشته و فروشندگان پارچه هم از این داستان بی‌خبر نیستند. در انتهای بازار بزرگ وارد سرایی به نام سرای امیر کبیر می‌شوم. اینجا بورس فروش پارچه در بازار بزرگ تهران واقع در خیابان ۱۵ خرداد است. همه نوع پارچه از نوع پارچه‌های با کیفیت و گران تا پارچه‌های کیلویی و ارزان، پارچه‌های معروف به فاستونی برای کت و شلوار، پارچه‌های مناسب برای پالتو و پارچه‌های مشکی چادری اینجا به چشم می‌خورد. ساعت حدود یک ظهر است. مشتری‌ها اندک و بیشتر خانم‌ها هستند. فروشنده‌های جوان یا مشغول خوش‌ویش با هم‌دیگر هستند یا سرشان در گوشی موبایلشان است. آنها هم که سن و سالی دارند در حال خوردن نهار و اقامه نماز هستند. فقط صدای چرخ‌های گاری کارگرها که اغلب سالخورده هستند روی سنگفرش‌ها به گوش می‌رسد. پیر مرد گاری سنگین از طاقه‌های پارچه را هل می‌دهد و مشتری‌ها را با گفتن «خانم بیا» هوشیار می‌کند. در حال عکاسی از پارچه‌های یک فروشنده هستم که می‌پرسد: «عکس‌ها را برای خودتان می‌خواهید؟» توضیح می‌دهم که برای رسانه عکاسی می‌کنم و هر هفته از یکی از بخش‌های بازار و اوضاع کسب و کارشان روایت تصویری داریم. می‌گوید «بی‌فایده است خانم!» و کلمه «بی‌فایده» را دوباره تکرار می‌کند و می‌رود پشت دختل.

یکی از فروشنده‌ها که در حال صرف نهار است می‌گوید: «خانم اوضاع پارچه خرابه، هیشکی پارچه نمی‌خره. مردم پول ندارند!» جمله «مردم پول ندارند» قانع‌ام می‌کند و دنبال پرسیدن سوال دیگری نیستم. سرای پارچه خلوت است چون مردم پول خرید پارچه را ندارند. مجموع حرف‌های کسبه حاکی از کساد این بازار است.

